

بررسی تطبیقی ترجمه‌های شاکر و آربری از قرآن کریم

داریوش نژاد انصاری

عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

چکیده

قرآن کتابی است بی‌همتا که زیبایی ظاهری و عظمت معنوی آن برابر است. قرآن زیباترین اثر به زبان عربی است که در میان کتاب‌های مذاهب جهان نظیر ندارد. مسیحیان عرب زبان معترف‌اند که این کتاب شریف چه تأثیر شگرفی در دل و جان شنوندگان دارد. براساس تخذی قرآن، ارائه برگردانی که بتواند با قرآن کریم هم‌اوری نماید، قطعاً امری غیر ممکن است. آنچه را که یک مترجم میتواند به عنوان هدف خود در ترجمه قرآن دنبال نماید تلاش برای انتقال صحیح مفاهیم قرآنی به زبان مقصد است اما یافتن عباراتی که گویای معانی بلند و بلیغ قرآن همراه با رعایت سبک و سیاق آن باشد در توان آدمی نمی‌گنجد. این مقاله میزان موفقیت دو ترجمه انگلیسی قرآن کریم توسط شاکر و آربری را مورد تفحص قرار داده است. در مجموع حدود ۱۰۰ آیه از قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته که از میان آنها ترجمه‌های دارای اشکال ارزیابی شده است. نتیجه این تحقیق گویای این حقیقت است که هیچ یک از دو مترجم فوق توفیق چندانی در ارائه ترجمه مناسب از آیات الهی نداشته‌اند.

واژه‌های کلیدی

ترجمه پیامی، ترجمه معنایی، تعادل واژگانی، تعادل ساختاری، همطرازی در ترجمه،

خلأواژگان، آحاد معنایی

مقدمه

یکی از حقایق پذیرفته شده در تمامی فرق اسلامی جهان شمولی، جامعیت، جاودانگی و حیات دائمی قرآن در نسل‌های جاری و عصرهای متوالی است. این ویژگی‌ها همه از صریح آیات وحی و از محکامات کلام الهی برداشت میشود و نیازی به تفسیر و تأویل ندارد. برای نمونه در سوره صاد آیه ۸۷ خداوند میفرماید: «نیست قرآن مگر یادآوری برای همه جهانیان». بنابراین، یکی از وظایف مهم مسلمانان ابلاغ صحیح پیام وحی به همه انسانها در اقصی نقاط عالم میباشد. این جا است که بحث ترجمه قرآن کریم به زبان‌های زنده دنیا مطرح میگردد. تاکنون قرآن به حدود هشتاد زبان زنده دنیا برگردان شده است. عدم آشنایی کامل مترجمین به زبان عربی، تفسیر، معارف اسلامی، و تاریخ ادیان از یک طرف و عدم توجه کافی به مباحث جدید مطروحه در زبان شناسی و ترجمه شناسی از طرف دیگر سبب گردیده که اکثر ترجمه‌های موجود دارای اشکالات عمده در سطوح مختلف ترجمه باشند. تاکنون بیش از چهل ترجمه کامل از قرآن به زبان انگلیسی انتشار یافته و هر سال ترجمه‌های جدیدی به آنها افزوده میشود. تعداد هفت جلد از این ترجمه‌ها توسط غیر مسلمانان انجام شده است که عبارتند از: (۱) ترجمه الکساندر راس (۱۶۴۹) که اولین ترجمه قرآن به زبان انگلیسی است، (۲) ترجمه جرج سیل (۱۷۳۴)، (۳) ترجمه رادول (۱۸۶۱)، (۴) ترجمه پالمر (۱۸۸۰)، (۵) ترجمه ریچارد بل (۱۹۳۷)، (۶) ترجمه آربری (۱۹۵۵)، (۷) ترجمه ان. جی. داوود (۱۹۵۶).

غالب ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم توسط مسلمانان صورت گرفته که بیشتر این مترجمان از شبه قاره هند بوده‌اند. اخیراً محققین عرب زبان نیز ترجمه‌هایی را به بازار عرضه کرده‌اند که به عنوان نمونه میتوان از ترجمه م.م. خطیب (۱۹۸۶)، عبدالخالق همت (۱۹۹۳)، رشید سعید کسّاب (۱۹۹۴)، عزالدین الحائک (۱۹۹۶)، و ماجد فخری (۱۹۹۶) نام برد. از مشهورترین ترجمه‌هایی که به دست شیعیان انجام شده است میتوان ترجمه شاکر و میراحمد علی را ذکر نمود. تعدادی از ترجمه‌های چاپ شده مانند ترجمه‌های عبدا... یوسف علی، پیکتال و آربری نیز بارها تجدید چاپ شده‌اند و تیراژ گسترده‌ای دارند.

نکته مهمی که تذکر آن ضروری بنظر میرسد این است که قرآن کریم هر چند مانند متون دیگر از نظر مفهوم قابل ترجمه است، اما واقعیت این است که کلام وحی که از لحاظ ویژگی‌های زبانی و ادبی در نهایت بلاغت و فصاحت میباشد، متنی است ترجمه‌ناپذیر. از این حیث هیچ ترجمه‌ای هر چند موفق نمیتواند جایگزین متن عربی آن باشد. این تحقیق تلاشی است جهت

مطالعه مقابله‌ای ترجمه‌های آربری و شاکر. در این مقاله ترجمه آیاتی از سوره مبارکه بقره به همراه چند آیه پراکنده دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. جهت روشن شدن ملاک قضاوت در ترجمه این آیات لازم به نظر می‌رسد مقدمه‌ای در مورد ترجمه، انواع و مؤلفه‌های آن طرح شود. فرایند ترجمه باید متنی را از زبان مبدأ به زبان مقصد به صورتی بازآفرینی نماید که برابری تعیین شده در حد امکان با متن اصلی هموزن و همطراز باشند. این همطرازی میبایست در همه ابعاد زبانی رعایت شود به طوری که نه تنها مفهوم بلکه تشابه صورت و اسلوب را نیز در نظر گرفت (نایدا، ۱۹۵۹، ص ۱۱۵). البته مترجم باید در تقابلی معنی و سبک، تقدم را به معنی بدهد. نیومارک (۱۹۸۱) دو نوع ترجمه را معرفی میکند و معتقد است که در ترجمه کردن هر گونه متنی یکی از این دو نوع کارایی دارد. نوع اول را او ترجمه پیامی (Communicative translation) مینامد که در این نوع ترجمه سعی میشود تا در خوانندگان متن ترجمه شده تأثیری هر چه بیشتر مشابه با تأثیر وارد بر خوانندگان متن اصلی ایجاد گردد. نوع دوم ترجمه معنایی (Semantic translation) است که تلاش میکند تا جای ممکن عین معنای بافتی متن اصلی را در ترجمه ایجاد کند. نیومارک نتیجه‌گیری میکند که در ترجمه پیامی، مترجم آزاد است برای ایجاد تأثیر مشابه تصحیحات، اضافات و حذفیاتی را در متن داشته باشد، اما در ترجمه معنایی که تأکید بر روی حفظ معنی و اندیشه نویسنده است مترجم در محدوده خاصی عمل میکند و مجاز به دخل و تصرف در متن نیست. در نتیجه در برگردان متون مذهبی باید از ترجمه معنایی استفاده شود (صص ۱۳۸-۱۳۵). همان طور که در بالا به آن اشاره شد، ترجمه موفق آن است که بتواند تا جای ممکن همطرازی بین متن اصلی و ترجمه ایجاد کند. در ایجاد تعادل ترجمه‌ای هشت مقوله نقش دارند که عبارتند از (۱) واژگان (Vocabulary)، (۲) ساختار (Structure)، (۳) بافتار (Texture)، (۴) معنای جمله - معنای کلام (Sentence meaning & Utterance meaning)، (۵) گونه‌های زبانی (Language varieties)، (۶) پیش تصورات (Peresupposition)، (۷) تأثیر ادراکی (Cognitive effect)، (۸) تأثیر زیبا شناختی (Aesthetic Effect) (لطفی پور، ۱۳۷۴، ص ۸۰). در این مقاله میزان موفقیت این دو مترجم در ایجاد تعادل واژگانی و تعادل ساختاری مورد بحث قرار میگیرد. نکته دیگری که ذکر آن مهم می‌باشد این است که در این مقاله متن عربی قرآن با ترجمه انگلیسی آن مقایسه شده است و ترجمه فارسی آیات از آیت الله مکارم شیرازی و الهی قمشه‌ای تنها برای تسهیل در درک فارسی زبانان گنجانیده شده است.

تبادل واژگانی

بدیهی است یافتن معادل‌های واژگانی و ایجاد تبادل در این سطح بین واژگان زبان مبدأ و مقصد نخستین و یکی از مهم‌ترین وظایف مترجم می‌باشد. در ترجمه قرآن به زبان فارسی این کار چندان سخت جلوه نمی‌کند زیرا فارسی زبانان به علت تعلقات دینی و عقیدتی بسیاری از اصطلاحات قرآنی را بدون کم و کاست از زبان عربی عاریه کرده‌اند. برای نمونه واژه‌های زکات، انفاق، تقوی، شهید، و جهاد بدون هیچ تغییری و با همان بار معنایی در قرآن وارد زبان فارسی شده‌اند. معادل یابی در ترجمه قرآن به زبان انگلیسی با در نظر گرفتن مؤلفه‌های معنایی هر واژه امری بسیار مهم و خطیر می‌باشد که متأسفانه مورد توجه دقیق برخی مترجمان قرار نگرفته و منجر به افت معنایی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم شده است اکنون به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

واژه‌های چند معنایی

قال الذین یظنون انهم ملاقوا... (بقره ۲۴۹).

آنها که یقین به ملاقات خداوند داشتند گفتند...

Arbery: Said those who reckoned they should meet God,...

Shakir: Those who were sure they would meet their lord said,...

قاموس قرآن «ظن» را احتمال قوی معنی میکند در مقابل و هم به معنای احتمال ضعیف و شک که تساوی الطرفین است و در ادامه از صحاح نقل قول میکند که «ظن» گاهی اوقات به جای علم به کار می‌رود (ص ۲۷۳). اما در آیه فوق از آنجا که مومنین توصیف شده‌اند ظن به معنی یقین و یا درجه‌ای نزدیک به یقین است نه حدس و گمان. شاکر به این نکته پی برده و آیه مبارکه را درست ترجمه نموده اما آربری ظن را reckon ترجمه کرده که به معنی فرض کردن، حدس زدن و محاسبه کردن است و نمیتواند معادل مناسبی برای این واژه باشد.

...ثم استوی الی السماء (بقره، ۲۹)

سپس (خداوند) به آسمان پرداخت.

Shakir:... and He directed Himself to the heaven.

Arbery:... then He lifted himself to heaven.

قاموس قرآن عنوان میکند که «استواء» به معنی برابری است و چون با «علی» متعدی شود معنی استقرار یافتن و برقرار شدن میدهد و چون با «الی» متعدی شود معنی توجه و قصد و روکردن میدهد (ص ۳۵۹). شاکر در برگردان کلمه استوار دقت بیشتری به خرج داده و معادل آنرا «direct» قرار داده که به معنی روکردن و توجه کردن میباشد. اما واژه انتخابی آربری «lift» است که به معنای بالا بردن به کار میرود و به هیچ وجه معادل مناسبی نیست. به نظر میرسد آربری تحت تأثیر افکار مسیحیت که برای خداوند حالات مادی قائل هستند قرار گرفته و ترجمه نادرستی را ارائه کرده است.

... و سنزید المحسنین (بقره، ۵۸)

و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.

Arbery: ... and increase the good-doers.

Shakir: ... and give more to those who do good to others.

فعل «زاد» در زبان عربی اگر همراه با مفعول غیر جاندار بکار برده شود (زاد الشيء) به معنای «زیاد و افزون کردن آن شیء» میباشد. اما اگر همین فعل با مفعول شخصی بکار رود (زاد فلاناً)، «به او بیشتر عطا کردن» معنا میشود. در آیه کریمه فوق از آنجا که فعل زاد مفعول شخصی دارد به معنای «عطا کردن بیشتر» میباشد. و معادل آن به زبان انگلیسی «give more» است. شاکر دقیقاً راه صواب رفته و تعادل واژگان را رعایت نموده است، اما آربری واژه «increase» را برگزیده که برگردان آن به زبان فارسی افزودن و بالا بردن است، براین اساس، معنای نادرستی از این آیه ارائه میشود: «ما نیکوکاران را افزایش خواهیم داد.»

قواعد سجاوندی

... و بالاخره هم یوقنون (بقره ۴)

و آنها به عالم آخرت یقین دارند.

Arbery: and have faith in the Hereafter.

Shakir: and they are sure of the hereafter.

واژه hereafter در زبان انگلیسی هم به معنای آینده است و هم به معنای زندگی پس از مرگ. کاربرد این لفظ با حرف بزرگ توسط آربری این واژه را به معنای خاص قرآنی آن که همان

جهان آخرت است نزدیک میکند. اما شاکر از این مهم غفلت کرده است.

... آمنا بالله و وباليوم الاخر... (بقره ۸)

به خداوند و روز قیامت ایمان داریم.

Arbery: we believe in God and the Last Day.

Shakir: we believe in Allah and the last day.

ترجمه تحت اللفظی «اليوم الاخر» روز آخر یا همان روز قیامت است. روشن است که معادل «روز آخر» در زبان انگلیسی معنای بسیار گسترده‌ای دارد اما نوشتن اولین حرف این عبارت به صورت بزرگ به آن معنای خاص میدهد که روز قیامت در بافت قرآنی است. میتوان نتیجه گرفت که آربری بیشتر به قواعد سجاوندی پایبند است تا شاکر.

اصطلاحات قرآنی

ذلک الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین. (بقره، ۲)

این کتاب بی هیچ شک راهنمای پرهیزگاران است.

Arbery: This is the book, where in is no doubt, a guidance to the godfearing .

Shakir: This book, there is no doubt in it, is a guide to those who guard (against evil).

قاموس قرآن لغت متقین را چنین تشریح میکند «تقوی اسم است از اتقاء و هر دو به معنی خود محفوظ داشتن و پرهیز کردن است. راغب میگوید تقوی آن است که خود را از شیء مخوف در وقایه و حفظ قرار دهیم این حقیقت تقوی است» (ص ۲۳۶). معادل بیان شده توسط آربری godfearing است که به معنای گذراندن یک زندگی صادقانه و مذهبی است و همین طور در معنای بسیار مذهبی و مطیع هم کاربرد دارد. شاکر برای این لفظ از یک عبارت استفاده کرده و میگوید متقین کسانی هستند که خود را از شر شیطان حفظ و مصون نگه میدارند. بر خلاف آربری، معادلی که شاکر برگزیده است بسیار نزدیک به معنای اصلی است. از طرف

دیگر، واژه هدی در این آیه شریفه معادل "guidance" در زبان انگلیسی است اما شاکر کلمه guide به معنای هادی را بکار برده که به نظر میرسد معادل مناسبی نباشد.

... و مما رزقناهم ینفقون (بقره، ۳)

و از آنچه روزیشان کردیم انفاق میکنند.

Arbery: and expend of that we have provided them.

Shakir: and spend out of what we have given them.

یکی از ویژگی‌های زبان فارسی که ترجمه قرآن را نیز تسهیل نموده دارا بودن الفاظ قرآنی فراوانی است که از زبان عربی عاریه شده است. اما متأسفانه در زبان انگلیسی در برگردان برخی اصطلاحات و الفاظ قرآن با خلأ واژگان مواجه هستیم. بدیهی است صرف خرج کردن از آنچه خداوند ارزانی داشته نمیتواند به عنوان یک صفت برای پرهیزکاران محسوب شود. قاموس قرآن در توضیح انفاق میگوید، «انفاق یعنی خرج مال در راه خدا اعم از واجب و مستحب که البته این معنی برای انفاق در زبان قرآن میباشد در حالی که انفاق بطور اعم و کلی اخراج مال است مانند «انفق ماله» یعنی مال خویش را از ملکش خارج کرد» (ص ۹۸). پس روشن است که ینفقون صرفاً به معنای خرج کردن نیست و هیچ کدام از ترجمه‌های شاکر و آربری در معادل‌یابی برای این واژه موفق نبوده‌اند. شاید ترجمه بهتر این لفظ بدین صورت باشد:

Spend (for God's sake).

الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک اصحاب الجنة. (بقره، ۸۲)

کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند اهل بهشت‌اند.

Arbery: And those that believe, and do deeds of righteousness- those are the inhabitants of Paradise.

Shakir: And (as for) those who believe and do good deeds, these are the dwellers of the garden.

«الجنة» از واژه‌های قرآنی است که در این آیه به معنای بهشت میباشد شاکر معادل این واژه را کلمه «the garden» که به معنای باغ و بوستان میباشد قرار داده که در این بافت قرآنی معنایی غریب است، اما آربری واژه Paradise را انتخاب نموده که یکی از معانی آن بهشت موعود است و آربری با بزرگ نوشتن حرف اول آن، این کلمه را متعین در همین معنا نموده است.

و اذا اتینا موسی الکتب و الفرقان... (بقره، ۵۳)
و هنگامیکه به موسی کتاب و فرقان عطا کردیم.

Arbery: and when we gave to Moses the Book and the Salvation...

Shakir: and when we gave Musa the Book and the distinction

قاموس قرآن در توصیف این لغت میگوید، «فرقان در اصل مصدر است و به معنی فرق گذاشتن. سپس در معنی فارق به کار رفته، طبری فرموده است که هر فرق گذارنده فرقان نامیده میشود و قرآن از آن جهت فرقان است که فارق میان حق و باطل است ولی در اقرب قید حق و باطل را اضافه کرده و میگوید فرقان هر چیزی است که با آن میان حق و باطل فرق گذاشته شود»

(ص ۱۶۸). معادل یابی شاکر برای «فرقان» مطلوبتر به نظر میرسد، زیرا distinction به معنای تمیز و فرق است که به معنای اصلی کلمه نزدیک میباشد. در مقابل، آبربری لفظ Salvation را برگزیده که به معنای درستکاری، نجات، رهایی، و آزادی از گناه، است که هیچ کدام معادل مناسبی برای فرقان نمی باشند. با توجه به معنای فرقان به نظر میرسد بهترین معادل برای این واژه کلمه Criterion (به معنای ملاک و میزان) باشد.

فجعلناها نکالاً لما بین یدیها و ما خلفها (بقره ۶۵).

و ما این جریان را مجازات و عبرتی برای مردم آن زمان و کسانی که بعد از آنان آمدند قرار دادیم.

Arbery: and we made it a punishment exemplary for all the former times and for the latter.

Shakir: so we made them an example to those who witnessed it and those who came after it.

عبارت «بین یدی» در فرهنگ لغت نوین به معنای «در حضور و در مقابل» آمده است که در این آیه به معنای مردم آن زمان میباشد مجمع البیان نیز در تفسیر «لما بین یدیها» مینویسد: «الامم التي تراها» یعنی امت هایی که شاهد آن بودند. این تفسیر عبارت «و ما خلفها» را نیز به معنی «ما یکون بعدها» میدانند یعنی امت هایی که بعد از آنها آمدند (ص ۱۳۰). شاکر ترجمه موفق را ارائه نموده است اما آبربری مرتکب اشتباه فاحشی شده و آنرا به معنای گذشتگان ترجمه کرده

است که به این صورت این آیه را برای خواننده انگلیسی مبهم نموده است.

والذین كفروا وكذبوا بايتنا (بقره، ۳۹)
آنها که آیات ما را به دروغ گرفتند.

Arbery: as for the unbelievers who cry lies to our signs ...

Shakir: And (as to) those who disbelieve in and reject My communications...

قاموس برای واژه «آیه» معانی «علامت، نشانه، دلیل، معجزه» را ذکر میکنند. در متن قرآن همه این معانی را میتوان یافت. ناگفته نماند که معنای اصلی و حقیقی آیه، همان علامت و نشانه است و همان طور که در مفردات نیز ذکر شده معانی دیگر این واژه که ذکر شد همه با معنی اصلی قابل جمع هستند. و به قسمتی از کلمات قرآن که از محلی آغاز و به مقطعی ختم میشود آیه میگوییم، زیرا که از نشانه‌های خداوند است و بشر از آوردن نظیر آن عاجز میباشد. موجودات عالم را هم از آن جهت آیات ... میگوییم که نشانه‌های وجود خدا و صفات او هستند (ص ۱۴۵). از مجموع این توضیحات استنباط میشود که بهترین معادل برای آیات «نشانه‌ها» و «آیات قرآنی» باشد. آربری از کلمه Sign (نشانه، علامت) استفاده نموده است که میتوان آن را مناسب دانست، از طرف دیگر، شاکر معادل انگلیسی communications را برگزیده است که به معنای شیوه بکارگیری لغات مؤثر و نغز در بیان فکر میباشد. این واژه چندان مناسب و گویا نیست و به تعادل واژگان خلل میرساند. از طرف دیگر، «آیات» به ضمیر جمع «نا» اضافه شده اما شاکر از ضمیر مفرد «My» استفاده کرده که نادرست است.

ذکم خیر لکم عند بارئکم (بقره، ۵۴)

این کار در پیشگاه پروردگارتان برای شما بهتر است.

Shakir: That is best for you with your creator.

Arbery: That will be better for you in your creator's sight.

واژه «خیر» در حالت اسمی به معنای دلپسند و مرغوب است و در حالت وصفی در معنی افعال (صفت تفضیلی: بهتر) میباشد (خسروی حسینی، ۱۳۷۲)، این کلمه در قرآن مجید بیشتر به صورت اسم بکار رفته و گاهی هم مانند این مورد به معنای بهتر است. مجمع‌البیان نیز در

تفسیر این آیه مینویسد: «اجمع العرب علی قولهم هذا خیر منه و هذا شر منه الا بعض بنی عامر فانهم یقولون هذا اخیر من ذا و اشر من ذا». بر این اساس ترجمه آربری (better) صحیح است اما شاکر که آنرا به معنای صفت عالی (best) ترجمه کرده به خطا رفته است.

تبادل ساختاری

در بخش اول از واژگان به عنوان یکی از عناصر مهم در ایجاد تبادل ترجمه‌ای نام بردیم. کاملاً روشن است که عناصر واژگانی در زبان بصورت مجزا و جدای از هم عمل نمی‌کنند بلکه ارتباط زبانی آنگاه میسر و مؤثر است که واژگان در چهارچوب ساختار با یکدیگر ارتباط معناداری ایجاد کنند. وظیفه مترجم در این سطح ایجاد تبادل ساختاری است که کاری بس دقیق و ظریف می‌باشد. در موارد معدودی ساختارهای مشابه در هر دو زبان موجود است و ایجاد تبادل کار دشواری نمی‌باشد. اما در اکثر موارد زبان مقصد فاقد ساختار مشابه به کار رفته در زبان مبدأ می‌باشد. مشخص است که در اینگونه موارد ایجاد تبادل ساختاری با به کار بردن ساختارهای مشابه امری ناممکن است. وظیفه مترجم برای ایجاد تبادل ترجمه‌ای در این سطح این است که محتوی و مفهوم ساختار زبان مبدأ را استخراج نموده و آنرا در قالبی از زبان مقصد که همان محتوی را به خواننده منتقل نماید بریزد. در ذیل مشکلات تبادل ساختاری در این دو ترجمه مورد نقد قرار می‌گیرد.

حصر و تأکید

... و ایای فارهون (بقره، ۴۰)

و تنها از من بترسید.

Arbery: and have awe of me.

Shakir: and of me, me alone, should you be afraid.

در قرآن کریم فراوان به چشم می‌خورد که یک عنصر از جایگاه اصلی خود در جمله به ابتدا آورده می‌شود زیرا خداوند کریم بر آن تکیه و تأکید فراوان دارد. کلمه «ایا» در زبان عربی همراه با ضمائر منفصل منصوب بکار می‌رود و مرجع آن ضمائر را تمییز داده و مشخص می‌کند در این آیه تقدم «ایای» بر فعل دلالت بر تأکید و حصر دارد. شاکر در ایجاد تبادل ساختاری به این نکته دقیقاً توجه کرده و با آوردن متمم «of me» در ابتدای جمله تأکید را هویدا ساخته و با اضافه

کردن «Me alone» (تنها مرا) حصر را نشان داده است. اما آربری در مورد این آیه ترجمهٔ موفق‌تری ارائه نداده است.

حذف غیر موجه

و منهم امیون لایعلمون الكتاب الا امانی و ان هم الا یظنون (بقره، ۷۸)

و برخی از یهود که خواندن و نوشتن ندانند تورات را جز آرزوی باطل خود نپندارند و تنها با بست پندار خام خود هستند.

Arbery: And some there are of them that are common folk not knowing the book, but only fancies and mere conjecture.

Shakir: And there are among them illitates who know not the book but only lies, and they do but conjecture.

این آیه از دو بخش تشکیل شده است. قسمت اول دیدگاه یهودیان است که کتاب خدا را خیالات می‌پندارند و بخش دوم دیدگاه خداوند است که اینها تنها به پندارشان دل بسته‌اند. طبرسی در توضیح این آیه چنین مینویسد: «ای لایعلمون ما فی الكتاب... (الآ) بمعنی لکن (امانی) ای یقولونه بأفواههم کذب» یعنی یهودیان کتاب خدا را کذب می‌پندارند و در توضیح «و ان هم الا یظنون» مینویسد «فیین انهم یختلفون من الکذب ظننا لا یقیناً» یعنی خداوند روشن میکند که آنها در این تکذیب خود شک دارند نه یقین (ص ۱۴۵). شاکر هر دو بخش را به درستی از هم تمییز داده و بخش دوم را با عبارت they do but conjecture بیان کرده است. اما آربری تمامی آیه را گفتار یهودیان فرض کرده و دیدگاه خداوند در مورد آنان را حذف نموده یا نادیده انگاشته است.

زمان نامناسب فعل

فی قلوبهم مرض فزادهم ا... مرضا... (بقره، ۱۰) دل‌های آنها مریض است و خداوند بر بیماری آنها می‌افزاید.

Arbery: In their hearts is a sickness, God has increased their sickness

Shakir: There is a disease in their hearts, so Allah added to their disease...

در این آیه شریفه فعل «زاد» اگر بصورت ماضی معنی شود با سیاق آیات قبلی که در آنها از

زمان مضارع استفاده نشده است سازگاری ندارد. بنابراین، میتوان عبارت «فزادهم... مرضاً» را یکی از موارد نفرین حساب نمود که در زبان عربی برای بیان آن از فعل ماضی استفاده میشود. براین اساس معنای آیه به این صورت میشود: «خداوند بر بیماری آنها بیفزاید» وجه دیگری که در این مورد ذکر گردیده این است که در زبان عربی برای بیان مضارع محقق الوقوع میتوان از فعل ماضی استفاده کرد که بدین ترتیب «زاد» به معنای «می افزاید» میباشد. آربری از زمان حال کامل برای ترجمه «زاد» (has increased) استفاده کرده که به زمان مورد نظر نزدیک است اما شاکر آن را به صورت ماضی «added» ترجمه نموده که نادرست بنظر میرسد.

تعبیرهای ویژه

ولا تجعل يدك مغلولة الى عنقك ولا تبسطها كل البسط فتقعد ملوماً محسوراً. (اسراء، ۲۹).
نه هرگز دست خود را در احسان به خلق محکم بسته دار و نه بسیار باز و گشاده دار که هر کدام کنی به نکوهش و حسرت خواهی نشست.

Shakir: And do not make your hand to be shackled to your neck nor stretch it forth to the utmost (limit) of its stretching forth, lest you should (afterwards) sit down blamed, stripped off.

Arbery: And Keep not thy hand chained to thy neck, nor outspread it widespread altogether, or thou wilt sit reproached and deruded.

در این آیه شریفه اصطلاح بستن دست به گردن یا باز کردن کامل آن کنایه از خسیس بودن و یا اسراف نمودن در انفاق است. این اصطلاح در میان عربها کاملاً مأنوس و قابل فهم است. اما در زبانهای دیگر در صورت نبودن اصطلاح مشابه ترجمه تحت اللفظی این عبارت سبب سوء تعبیر و یا بی مفهوم بودن آن خواهد شد. شاکر و آربری هر دو با ترجمه تحت اللفظی خود نتوانسته اند در انتقال معنای صحیح موفق باشند. در این گونه موارد یا مفهوم صریح اصطلاح به زبان دوم منتقل میشود و یا از اصطلاح دیگری در زبان دوم که همین معنای مشابه را دارد استفاده میگردد. اما از آنجا که قرآن کلام خداوند است و الفاظ آن هم دارای تقدس میباشند لذا به نظر میرسد پس از ترجمه لفظ به لفظ این آیه باید توضیح مختصری به آن اضافه نمود و مفهوم اصطلاح را تشریح کرد عبارت توضیحی میتواند به این صورت باشد:

Be neither parsimonious nor lavish.

کلمات زائد

و ان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقاتلوا ائمة الکفر (توبه، ۱۲).
و هر گاه آنها سوگند و عهدی که بسته‌اند را بشکنند و در دین شما تمسخر و طعن زنند در
این صورت با آن پیشوایان کفر کارزار کنید.

Arbery: But if they break their oaths after their covenant and thrust at your religion, then fight the leaders of unbelief.

Shakir: And if they break their oaths after their agreement and (openly) revile your religion, then fight the leaders of unbelief.

در برخی الگوهای زبان عربی کلماتی وجود دارند که در الگوی معادل آنها در زبان انگلیسی آن کلمات به کار نمی‌روند. مثلاً در زبان عربی در برخی موارد جواب شرط با حرف «فاء» آغاز شود، اما در زبان انگلیسی معمولاً کلمه «then» در جملات شرطی به کار نمی‌رود. اما شاکر و آربری هر دو کلمه «then» را در جواب شرط آورده‌اند.

الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک أصحاب الجنة. (بقره، ۸۲)
و کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته انجام دادند اهل بهشت‌اند.

Arbery: and those that believe, and do deeds of righteousness those are the inhabitants of paradise.

Shakir: And (as for) those who believe and do good deeds, these are the dwellers of the garden.

در زبان عربی در خبر «الذین» معمولاً از اسم اشاره «اولئک» استفاده می‌شود که در الگوی انگلیسی معادل آن استفاده از اسم اشاره معمول نیست اما هم آربری و هم شاکر هر دو از اسم اشاره *those* و *these* استفاده کرده‌اند که بهتر است حذف گردند.

نتیجه گیری

در پایان از مجموع آیات بررسی شده در این مقاله و ترجمه‌های آربری و شاکر میتوان نتیجه گرفت که متأسفانه هیچ یک از این دو ترجمه در انتقال مفاهیم عالی قرآن به زبان انگلیسی موفق نبوده‌اند. البته ترجمه روان و سلیس آربری را که نشان از تسلط کامل وی به زبان انگلیسی دارد نمیتوان نادیده انگاشت. در صورتی که وی در برگردان برخی الفاظ و ساختارهای آیات

الهی دقت بیشتری مینمود و از نظریات صاحب نظران در این زمینه کمک میگرفت مسلماً ترجمه او بسیار موفق بود.

از آن جاکه برای فهم و ترجمه قرآن تخصصهای مختلف و متنوعی وجود نیاز است، عموماً تلاشهای فردی در این زمینه نمیتواند چندان موفق باشد. به نظر نگارنده کارگروهی متشکل از متخصصانی در زمینههای تاریخ اسلام، علوم قرآنی، زیانشناسی، زبان و ادبیات عرب، بلاغت و زبان انگلیسی میتواند زمینه ساز یک ترجمه صحیح و قابل استفاده برای همه مسلمانان در نقاط مختلف دنیا با فرهنگها و زبانهای مختلف باشد.

کتابنامه فارسی

- این منظور. لسان العرب. بیروت. داراحیاء التراث العربی
- الهی قمشه ای، مهدی. ۱۳۶۵. ترجمه قرآن کریم. انتشارات اسوه.
- خسروی حسینی، غلامرضا، ۱۳۷۲. مفردات الفاظ قرآن. تهران، انتشارات مرتضوی.
- سیاح، احمد. فرهنگ بزرگ جامع نوین، انتشارات اسلام.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان. مکتب علمیه اسلامیه.
- قریشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۲. مفردات الفاظ قرآن. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کلاتری، الیاس، ۱۳۶۶. مفردات القرآن فی مجمع البیان، چاپ نشر بنیاد.
- لطفی پور ساعدی، کاظم. ۱۳۷۴. در آمدی بر اصول و روش ترجمه، تهران، نشر دانشگاهی.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۶، ترجمه تفسیر المیزان، بیان فکری و علمی علامه طباطبایی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۸، تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامیه.
- میرعمادی، سیدعلی، ۱۳۷۴. تئوریهای ترجمه. تهران، خانه فرهنگ.

کتابنامه لاتین

- Arbery, A.J. (1955). The koran interpreted. New your: macmillan publishing company.
- Newmark, peter. (1981). Approaches to translation. Oxford: Pergaman press.
- Nida, Eugene A. (1975). language structure and Translation: stand ford University press.
- Shakir, M.H. Holy Quran: Ansarian publications.